



موضوع تحقیق

موضوع ارتداد در اسلام

استاد راهنما

حجه الاسلام گودرز پور

دانش پژوه

اسحاق دژمان

مقطع تحصیلی

پایه ۶

مرکز آموزشی

مدرسه علمیه امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام

سال تحصیلی

۹۳-۹۴

الف: مقدمه

هدف اصلی آفرینش انسان شناخت خدا و پرستش او و رسیدن آدمی به رشد و کمال معنوی است چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ^۱

وجن و انس را جز برای این که مرا پرستش کنند نیافریدم

برای آن که بشر خدا را به خوبی بشناسد و راه و رسم پرستش و بندگی را بیاموزد و با آداب و شرائط و دستور هایی که او را به خداوند نزدیک می کند و همچنین موانع مسیر سلوک به سوی خداوند آشنا گردد از آغاز خلقت انسان انبیاء و رسولانی را با برنامه و دستور هایی به نام دین به سوی انسان ها ارسال کرده تا آنان با پیروی اغز این فرستادگان الهی و عمل به احکام اسمانی ایشان بتوانند در راه رشد و تکامل معنوی گام برداشته و هر چه بیشتر خود را به هدف یاد شده نزدیک سازد.

^۱ ذاریات/۵۶

ب: ارتداد در لغت:

ارتداد از ریشه «ر-د-د» و در لغت به معنای بازگشت و بازگرداندن آمده است.

راغب اصفهانی می گوید رَدَّ به معنای بزرگداشتن چیزی است به ذاتش از موارد رَدَّ به ذات این قول خداوند «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ»^{<۱>}

ج: ارتداد در اصطلاح فقه:

فقه های شیعه و اهل سنت در تعریف ارتداد عبارتهای گوناگونی بع کار برده اند که همه ی آن تعبیرها به یک معنا باز می گردد، و آن خارج کردن فرد مسلمان از اسلام و ورود به کفر است.

امام خمینی رحمه الله علیه نیز می فرماید: «المرتد هو من خرج عن الاسلام واختار الكفر»^{<۲>} یعنی مرتد کسی است که از اسلام خارج شده و کفر را برگزیده است.

د: اقسام ارتداد در فقه:

مرتد در اصطلاح فقه های اهل سنت یک قسم پیشتر نیست اما فقه های امامیه بر پایه ی روایات اهل بیت مرتد را به دو قسم تقسیم کرده اند که هر یک دارای اقسام خاصی است.

این دو قسم عبارت است از:

۱. مرتد ملی: و آن کسی است که از ابتدا کافر بوده و سپس مسلمان شده و دوباره به کفر بازگشته است.

۲. مرتد فطری: و آن کسی است که از پدر و مادر مسلمان متولد شده و سپس تغییر عقیده داده و کافر شده است.^{<۳>}

برخی گفته اند: مرتد فطری کسی است که از پدر و مادر مسلمان یا فقط از پدر مسلمان یا تنها از مادر مسلمان متولد شده باشد. برخی نیز افزون بر ولادت از پدر و مادر مسلمان، توصیف فرد به اسلام هنگام بلوغ را شرط دانسته اند، بدین معنا که فرد باید هنگام بلوغ و پس از آن به اسلام اعتراف کند، اما اگر پیش از بلوغ کافر شده و با حال کفر بالغ گردد یا بعد از بلوغ اعتراف نکند مرتد فطری نخواهد بود.

۱. انعام / ۲۸

۲. خمینی روح الله / تحریر الوسیله / ج ۲ / ص ۳۲۹

۳. صادقی فدکی سید جعفر / ارتداد / به نقل از شرایع الاسلام ج ۴ ص ۱۸۳-۱۸۴

ه: ارتداد در قرآن:

قرآن از ارتداد با الفاظ و تعبیر های گوناگون یاد کرده است، که از مجموع آنها چنین معنایی بر می آید:
خروج از دین الهی و رجوع به کفر. این الفاظ و تعبیرها بدین شرح است:

۱. بازگشت از دین مانند:

۱. «وَلَا يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدَّوْكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^{<۱>}

و آنان {مشرکان} پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان باز گردانند و کسانی از شما که از دین خود باز گردند و در حال کفر بمیرند کردارشان در دنیا و آخرت تباہ می گردد.

۲. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ»^{<۲>}

و کسانی که بعد از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر خود افزودند {و در این راه اصرار ورزیدند} و هیچ گاه توبه آنان «که از روی ناچاری یا در آستانه ی مرگ صورت می گیرد» قبول نمی شود، و آنها گمراهان واقعی اند {چرا که هم راه خدا را گم کرده اند و هم راه توبه را}.

۲. گوساله پرستی:

قرآن از ارتداد بنی اسرائیل در عهد حضرت موسی علیه السلام با تعبیر گوساله پرستی یاد کرده است و می فرماید:

۱. «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ»^{<۳>}

و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما با پرستش گوساله به خود ستم کردید، پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید.

۲. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ»^{<۴>}

کسانی که گوساله را معبود خود قرار دادند به زودی خشم بروردگار به آنها می رسد.

۱. بقره / ۲۱۷

۲. آل عمران / ۹۰

۳. بقره / ۵

۴. اعراف / ۱۵۲

و: ارتداد در روایات اهل بیت علیهم السلام

در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به طور گسترده به حکم مرتد اشاره شده است:

محمد بن مسلم در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ومن جحد نبیاً مرسلأ نبوتہ وکذبہ فدمه مباح.....»^{<1>} «وهرکس منکر نبوت نبی مرسل شود او را تکذیب کند خونش مباح است.»

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرموده اند: «المرتد یستتاب فإن تاب وَاَلَّا قتل»^{<2>} مرتد توبه داده می شود پس اگر توبه کرد رها و در غیر این صورت کشته می شود.

شهید اول در کتاب لمعه می فرماید: که این حدیث مختص به مرتد ملی است نه مرتد فطری و مرتد ملی را اول توبه داده می شود اگر توبه کرد آزاد می شود و اگر توبه نکرد کشته می شود برخلاف مرتد فطری که بدون از اینکه توبه داده شود کشته می شود.^{<3>}

ز: ارتداد در روایات عامه

در روایات اهل سنت نیز اشاره ای به مسئله ی ارتداد به طرق مختلف شده است و ما در اینجا فقط به یکی از آنها اشاره می کنیم:

رسول خدا سلام الله علیه وآله می فرمایند:

«لا یحل دم امری ء مسلم الا فی احدی ثلاث: رجل زنی و هو محصن، فرجم. اورجل قتل نفساً بغير نفس. اورجل ارتد بعد اسلامه»^{<4>} ریختن خون مسلمان مگر در سه مورد جایز نیست :

۱. مردی که زنا کرده در حالی که محصن است که باید سنگسار شود.

۲. یامردی که کسی را بدون جهت کشته است.

۳. یامردی که بعد از اسلامش به کفر بازگشته است.

۱. صادقی فدکی سیدجعفر/ ارتداد/ به نقل از وسایل الشیعه / ج ۲۸ / ابواب حد مرتد باب ۳ ح ۱

۲. صادقی فدکی سیدجعفر/ ارتداد/ به نقل از کافی / ج ۷ / ص ۲۵۶

۳. الجبعی العاملی زین الدین / الروضة البهیه فی الشرح لمعة الدمشقیه / ج ۳ / ص ۲۴۲

۴. صادقی فدکی سیدجعفر/ ارتداد/ به نقل از سنن ترمذی / ج ۴ / ص ۴۰۰

ک: موجبات کفر و ارتداد

فقه‌های اسلامی امور متعددی را از موجبات ارتداد برشمرده اند از جمله ترک و انکار اسلام، انکار اصول دین، یعنی توحید و نبوت و معاد، انکار ضروریات دین، سبّ و تمسخر خداوند، انبیای الهی، امامان و ملائکه یا ضروریات دین و سجده بر بت، عبادت خورشید و هتک حرمت قرآن مانند افکندن آن در قاذورات یا آتش زدن و بایمال کردن آن، انکار صفتی از صفات خداوند، اعتقاد به فرزند داشتن خدا، جسم داشتن خداوند و تکذیب قرآن، حلال شمردن حرام‌های قطعی دین، و حرام شمردن حلال‌های قطعی دین که به توضیح کلیت این امور و برخی از مستندات قرآنی آن می پردازیم:

۱- انکار اسلام:

انکار اصل اسلام از سوی مسلمانان موجب کفر و ارتداد می گردد، چه بعد از ترک اسلام، دین دیگری همچون مسیحیت یا یهودیت را برگزینند، یا به طور کلی ادیان الهی را منکر شود، و به مادیت یا بت پرستی روی آورد، چنان که بسیاری از مسلمانان سدر اسلام که مرتد می شوند از اسلام به طور کلی اعراض می کردند، و به بت پرستی یا ادیان دیگر روی می آوردند.

۱. قرآن کریم در آیه ۲۱۷ سوره بقره در باره آنان می فرماید (وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)^{<۱>}

و کسانی از شما که از دین خود باز گردند و در حال کفر بمیرند کردارشان در دنیا و آخرت تباه می گردد. و ایشان اهل آتشند و در آن جاویدان خواهند بود.

امام صادق نیز می فرماید: (من رغب عن الاسلام و كفر بما انزل على محمد بعد اسلامه فقد وجب قتله)

هر کس از اسلام روی گرداند و به آنچه بر محمد صلوات الله عليه واله نازل شده کفر ورزد کشتنش واجب است.^(۲)

۲- انکار اصول دین:

ارکان و پایه های اساسی دین را اصول دین می نامند. که هر مسلمانی باید در مرحله نخست به آن معتقد بوده ورد مرحله بعد به فروعی که بر اساس آن اصول پایه ریزی شده معتقد گردد و به آنها عمل کند.

۱. بقره / ۲۱۷

۲. صادقی فدکی سیدجعفر/ ارتداد/ به نقل از کافی ج ۶ / ص ۱۷۴

اما در این که اصول و پایه های اساسی اسلام کدام است در بین علمای اسلامی اقوال متعددی وجود دارد اصولی که بیشتر علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند عبارتند از سه اصل توحید، نبوت، معاد. که انکار هر یک از این اصول موجب کفر و ارتداد است.

عمار سبابی می گوید: «سمعت أبا عبدالله يقول : كلُّ مسلم بين المسلمین جحد محمدا نبوته وكذبه فإن دمه مباح.....»^(۱)

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر مسلمانی در میان مسلمانان که نبوت محمد صلی الله علیه وآله را انکار و آن حضرت را تکذیب کند خونش مباح است.....

۳. انکار ضروریات دین:

ضروریات دین اموری است که جزء دین بودن آن برای همگان روشن است و به دلیل وبرهان نیاز ندارد به استثنای نوع مسلمان که از اسلام واحکام وعقائد آن آگاهی ندارد یا کسانی که در شهر و روستا زندگی می کنند که از بلاد اسلامی فاصله ی زیاد دارند.

مسلمان وظیفه دارد همان گونه که به اصول دین اعتقاد و ایمان داگرد به ضروریات دین ملزم باشد چنانچه قرآن کریم ایمان به آنچه را از سوی خداوند نازل شده به عنوان صفت مؤمن برشمرده و می فرماید:

«وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا»^(۲)

(و مؤمنان همگی به خداوند و فرشتگان او و کتاب های آسمانی و فرستادگانش ایمان آوردند و گفتند: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم، شنیدیم و گردن نهادیم.)

۱. صادقی فدکی سید جعفر / ارتداد به نقل از رسائل مرتضی ج ۱ ص ۱۶۵

۲. بقره / ۲۸۵

۴. استهزای خداوند، پیامبر، و آیات الهی

یکی دیگر از موجبات ارتداد و مسلمان، تمسخر خداوند، پیامبر، قرآن، دین و ضروریات آن است. قرآن کریم در آیات ۶۴ سوره توبه در مورد منافقان که پیامبر اسلام و دین را به تمسخر گرفته بودند آورده است:

«يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ ★ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ★ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبُ طَائِفَةٌ بَأْسُهُمْ كَأَنُورًا مُّجْرِمِينَ»^(۱)

منافقان بیم دارند از اینکه [مبادا] سوره‌ای در باره آنان نازل شود که ایشان را از آنچه در دل‌هایشان هست خبر دهد بگو ریشخند کنید بی تردید خدا آنچه را که [از آن] می‌ترسید برملا خواهد کرد و اگر از ایشان بپرسی مسلماً خواهند گفت ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم بگو آیا خدا و آیات او و پیامبرش را ریشخند می‌کردید و عذر نیاورید شما بعد از ایمانتان کافر شده‌اید اگر از گروهی از شما درگذریم گروهی [دیگر] را عذاب خواهیم کرد چرا که آنان تبه‌کار بودند.

این آیات در باره ی گروهی از منافقان نازل شده که در غزوه ی تبوک پیامبر را مسخره می کردند از جمله اینکه می گفتند: این مرد می پندارد که قصر های شام و دژهای نیرومند آنها را تسخیر خواهد کرد در حالی که چنین امری محال است.

در نقلی دیگر آمده است که پس از بازگشت از غزوه ی تبوک چهار نفر از منافقان در جلوی پیامبر راه می رفتند و آن حضرت را مسخره می کردند و در پی این امر بود که آیات بالا نازل شد و منافقان را برای این عملشان خارج از اسلام و کافر شمرد.

۵. سبّ پیامبر و انبیای الهی

سب پیامبر اسلام و دیگر انبیای الهی از دیگر اموری است که موجب خروج از اسلام خواهد شد، قرآن کریم در آیه ی ۷۴ سوره ی توبه از سرگذشت گروهی از منافقان خبر داده و می فرماید:

« يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ »^(۱)

«به خدا سوگند می‌خورند که [سخن ناروا] نگفته‌اند در حالی که قطعاً سخن کفر گفته و پس از اسلام آوردنشان کفر ورزیده‌اند»

در این آیه قرآن کریم گروهی از منافقان را بدان سبب که آشکارا سخنان ناروایی در مورد پیامبر اکرم گفته اند کافر و خارج از اسلام دانسته است و آنان را در صورت عدم توبه به مجازات تهدید کرده است اما در این که این سخنان کفر آمیز چه بوده مفسران طبق روایات شأن نزول مطالب مختلفی بیان داشته است. از جمله این سخنان سبّ پیامبر اکرم صلّ الله علیه وآله و طعن در دین بود که آنان به ساحت مقدس پیامبر اکرم صلّ الله علیه وآله روا داشته بودند.

از نظر فقهاء اسلامی نیز سبّ پیامبر اکرم صلّ الله علیه وآله کیفر قتل را در پی دارد اما اینکه آیا سبّ پیامبر صلّ الله علیه وآله خود سبب مستقّلی برای کشتن فرد است یا اینکه یکی از اسباب ارتداد بوده و حکم مرتد را خواهد داشت در میان فقهاء دوی دیدگاه است: گروهی آن را از اسباب ارتداد دانسته و سبّ النّبی را مرتد دانسته اند.

شهادت ثانی رحمه الله علیه در مسالک الأفهام می فرماید:

« رعایت و احترام انبیاء از مواردی است که می دانیم از ضروریات دین است پس سبّ آنان ارتداد محسوب می شود »^(۲)

اما بیشتر فقهاء اسلامی سبّ پیامبر اسلام صلّ الله علیه وآله را سبب مستقّلی برای مجازات فرد و آن را از مبحث ارتداد خارج دانسته اند از این رو در مجازات سبّ النّبی تفاوتی بین زن و مرد، ملی و فطری و کافر و مسلمان نمی گذارد.

۱. توبه / ۷۴

۲. صادقی فدکی سیدجعفر/ ارتداد/ به نقل از مسالک الأفهام / ج ۱۴ / ص ۴۵۳

امام خمینی رحمه الله علیه درباره ی سَابِّ النَّبِيِّ آورده است:

کسی که العیاذ باللّٰه پیامبر گرامی اسلام صلّ الله علیه وآله را دشنام دهد در صورتی که برای جان، مال و ناموس خود یا مؤمن دیگری ضرر نداشته باشد کشتن او بر هر مسلمانی واجب است و در صورت فراهم بودن این شرایط اجازه ی امام و نایب او شرط نیست و همین طور است حکم کسی که به یکی از امامان معصوم یا حضرت زهراء سلام الله علیهم دشنام دهد و هتاک کند، اما برای کسی که بر جان و ناموس خود یا مؤمن دیگری می ترسد کشتن فرد مذکور جایز نیست.^(۱)

ل: شرایط تحقق وثبوت ارتداد

ارتداد و کفر مسلمان که کیفر دنیوی را در پی دارد بر هر نوع تغییر عقیده و انکار اصول و ضروریات دین، از سوی هر شخص و با هر شرایطی که صورت بگیرد اطلاق نمی شود، بلکه تحقق وثبوت آن شرایطی دراد که اگر همه یا بخشی از این شرایط تحقق نیابد نمی توان به ارتداد حکم کرد.

این شرایط عبارتند از:

۱. بلوغ

از نظر فقهاء امامیه و برخی فقهاء اهل سنت بلوغ از شرایط تحقق ارتداد است، بنابراین اگر فرد غیر بالغ از دین بازگردد و اصول و ضروریات آن را انکار کند مرتد نخواهد بود، اما در اینکه مراد از بلوغ در این مورد آیا بلوغ شرعی و سن تکلیف است یا اینکه کودکی را که به سن رشد و تشخیص حق از باطل رسیده نیز شامل می شود آراء فقهاء متفاوت است اکثر فقهاء اسلامی بلوغ شرعی را شرط دانسته اند.

اما برخی علماء شیعه فرموده اند: بلوغ شرعی در تحقق ارتداد شرط نیست بلکه اگر مرهق (نوجوانی که به سن رشد رسیده و نزدیک بلوغ است) نیز از اسلام برگردد احکام ارتداد در مورد او جاری می شود.

۱. خمینی روح الله / تحریر الوسیله / ج ۲ / ص ۴۲۹

۲. عقل

بر پایه شرط اگر مجنون دست از اسلام بردارد مکرر نخواهد بود، زیرا بر مجنون نیز هم مانند طفل نابالغ تکلیفی از نظر اسلام نیست، مستند این شرط روایتی از پیامبر اسلام صلّ الله علیه وآله می فرماید:

« رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَمِلَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ »^(۱)

از سه نفر قلم تکلیف برداشته است: ۱. از شخص خوابیده تا اینکه بیدار شود ۲. از کودک تا اینکه بالغ شود ۳. واز دیوانه تا اینکه عاقل شود.

۳. اختیار

اگر تغییر عقیده یا انکار ضروریات دین با اکراه و اجبار دین صورت گیرد ارتداد محقق نمی شود چنانکه قرآن کریم کسانی که با اجبار سخنان کفرآمیز بر زبانی آورند از ارتداد و مجازات آنان استثناء کرده و می فرماید:

« مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ »^(۲)

هر کس پس از ایمان آوردن خود به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [الی] قلبش به ایمان اطمینان دارد لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود.

در شأن نزول این آیه روایت شده که گروهی از مسلمانان صدر اسلام از جمله عمار، پدرش یاسر، مادرش سمیه، بلال و خباب به دست کافران شکنجه شدند تا از اسلام دست بردارند که پدر و مادر عمار به شدت مقاومت کرده و به شهادت رسیدند، ولی عمار که جوان بود برای حفظ جان خویش خواسته کافران را در ظاهر برآورده کرد و سخنان کفرآمیزی گفت که آیه ی بالا نازل شد و حکم اصلی را روشن کرد و پیامبر اسلام صلّ الله علیه وآله در پاسخ کسانی که عمار را به کفر متهم می کردند فرمود:

عمار سراسر وجودش سرشار از ایمان است و ایمان با خون او آمیخته شده است.

۱. صادقی فدکی سیدجعفر/ ارتداد به نقل از مجلسی محمد باقر / بحار الانوار/ ج ۳۰ / ص ۶۸۱

۲. نحل / ۱۰۶

۴. قصد

کسی که عمل یا گفتار کفرآمیز از او سر می زند باید در عمل یا گفتارش قصد جدی داشته باشد و با توجه وهوشیاری سخن و عملی را مرتکب، اما اگر از روی غفلت، سهو، خواب و بی هوشی دین و ضروریات آن را انکار کند و عمل کفرآمیزی از او سر زند مرتد نخواهد شد.^(۱)

قرآن درباره ی گروهی از منافقان می فرماید:

« يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوْا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ ★ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ★ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ»^(۲)

{منافقان بیم دارند از اینکه [مبادا] سوره‌ای در باره آنان نازل شود که ایشان را از آنچه در دل‌هایشان هست خبر دهد بگو ریشخند کنید بی تردید خدا آنچه را که [از آن] می ترسید برملا خواهد کرد و اگر از ایشان بپرسی مسلماً خواهند گفت ما فقط شوخی و بازی می کردیم بگو آیا خدا و آیات او و پیامبرش را ریشخند می کردید عذر نیاورید شما بعد از ایمانتان کافر شده‌اید اگر از گروهی از شما در گذریم گروهی [دیگر] را عذاب خواهیم کرد چرا که آنان تبه‌کار بودند}

۵. علم و آگاهی

انکار اصول یا ضروریات دین از سوی شخص مسلمان زمانی ارتداد محسوب می شود که وی از آگاهی کافی نسبت به اسلام برخوردار باشد و آنچه را در صدد رد و انکار آن است به خوبی بشناسد و بداند که جزء دین است در غیر این صورت نمی تواند آن را مرتد دانست.

۱. خمینی روح الله / تحریر الوسیله / ج ۲ / ص ۴۴۵

۲. توبه / ۶۶-۶۴

م: عوامل وزمینه های ارتداد

مهم ترین و مطمئن ترین راه مبارزه با ارتداد شناخت عوامل یا زمینه های آن است اگر انسان بتواند به خوبی به زمینه ها و عوامل این انحراف دینی پی ببرد و ریشه های آن را بشناسد خواهد توانست با آنها به مبارزه برخیزد و ایمان خود را در برابر آنها صیانت بخشد.

این عوامل و زمینه ها عبارتند از:

۱.. شیطان

شیطان نخستین منبع و عامل ارتداد و انحراف مؤمنان به شمار می رود، از آغاز آفرینش انسان شیطان همواره کوشیده است تا انسان را از مسیر توحید و دین الهی منحرف سازد چنان که قرآن کریم در آیات پرشماری این هدف را از زبان خود او بیان کرده است از جمله پس از آن که خداوند آدم علیه السلام را آفرید و به همه ی فرشتگان فرمان سجده داد، شیطان بر اثر امتناع از سجده از درگاه الهی رانده شد و چنین سوگند یاد کرد:

«قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ★ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ»^(۱)

شیطان [گفت پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می برم مگر آن بندگان پاکدل تو را

۲. سلاطین جور

یکی درگر از عوامل گمراهی و ارتداد مؤمنان حکم رانانی هستند، که برای تداوم و استمرار سیطره و گسترش حاکمیت جائرانه خود کوشیده اند و مردم را در نادانی و کفر نگه می دارند و اگر در برهه ی از زمان کسانی هدایت شده و به پیامبران الهی ایمان آورده اند آنان کوشش کرده اند تا آن گروه موحد را از مسیر توحید و راه حق هدایت باز دارند.

نمونه ای از حاکمان کفر پیشه فرعون است، او پس از بعثت حضرت موسی علیه السلام و دعوت مردم به یکتا پرستی، با ایجاد رعب و وحشت تلاش فراوان کرد تا مانع ایمان آوردن بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام شود، آنچنان که در آغاز تنها شمار اندک به حضرت موسی علیه السلام ایمان آوردند، چنان که قرآن کریم می فرماید:

«فَمَا أَمَّنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ»^(۲)

۱. ص / ۸۳ - ۸۲

۲. یونس / ۸۳

سرانجام کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندان او از قوم وی در حالی که بیم داشتند از آنکه مبادا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند و در حقیقت فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسرافکاران بود.

۳. اهل کتاب

دیگر عامل ارتداد و گمراهی مسلمانان یهود و نصاری هستند قرآن کریم در آیات پرشماری خطری را که از ناحیه این دو گروه متوجه عقاید مسلمانان است را هشدار داده و درباره ی علاقه ی شدید آنان و بازگرداندن مؤمنان به کفر می فرماید :

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^(۱)

{بسیاری از اهل کتاب پس از اینکه حق برایشان آشکار شد از روی حسدی که در وجودشان بود آرزو می کردند که شما را بعد از ایمانتان کافر گردانند پس عفو کنید و درگذرید تا خدا فرمان خویش را بیاورد که خدا بر هر کاری تواناست}

۴. دوستان گمراه

شخصیت انسان را امور مختلفی شکل و سامان می دهند که از مهم ترین آن ها دوست است که ناگزیر از آنان تأثیر پذیرفته و بخش مهمی از عقاید افکار و صفات اخلاقی خود را از آنان می گیرند این تأثیر پذیری بدان حد است که از حضرت سلیمان علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ»^(۲)

{بی گمان کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت چرا که آنان به کسانی که آنچه را خدا نازل کرده خوش نمی داشتند گفتند ما در کار [مخالفت] تا حدودی از شما اطاعت خواهیم کرد و خدا از همداستانی آنان آگاه است }

۱. بقره / ۱۰۹

۲. محمد / ۲۶-۲۵

ن: موانع ارتداد

قرآن کریم افزون بر ذکر عوامل وزمینه های ارتداد مؤمنان از دین وراه راست موانع ارتداد از دین را نیز بیان کرده است:

۱. توکل بر خداوند

قدرت نامحدود خداوند می تواند انسان را از خطر هرگونه انحراف و گمراهی وسقوط حفظ کرده وبر دین الهی ثابت قدم نگه دارد، چنان که قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^(۱)

{ چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند تسلطی نیست }

۲. تقوی

تقوی نیروی درونی است که انسان را از انحرافات وافتادن در دام گناه نگه می دارد، چنان که مولا امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حَصْنٍ عَزِيزٌ وَالْفُجُورُ دَارٌ حَصْنٌ ذَلِيلٌ لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يُحِرِّزُوا مِنْ لَجَأِ إِلَيْهِ إِلَّا بِالتَّقْوَى تُقَطَّعُ حُمَةُ الْخَطَايَا»^(۲)

{ بدانید بندگان خدا که تقوای قلعه ای است محکم ونفوذ ناپذیر وگناه خانه ای است سست ودرحال ریزش که اهلش را از آفات نجات نمی دهد وکسی که به آن پناهنده شود در امان نیست آگاه باشید تنها بوسیله تقوی ریشه گناهان را می توان برید. }

۳. تمسک به قرآن کریم

قرآن کریم را خداوند سبحان برای نجات بشر از ضلالت و گمراهی وهدایت او به سوی نور وروشنایی فرو فرستاده است.

«أَلَمْ نَكْتُبْ أَنْزَلْنَاكَ إِلَيْنَا لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»^(۳)

{ الف لام راء کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آوری به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده }

۱. نحل / ۹۹

۲. نهج البلاغه / خطبه ۱۵۵

۳. ابراهیم / ۱

ح: احکام ارتداد

فقیهان برای مرتد احکام مختلفی از متون دینی استنتاج کرده اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. قتل

حساس ترین و مهم ترین حکم مرتد حکم قتل است که با تحقیق شرایط آن فقهای شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند. نکته: شایان ذکر است که این حکم اختصاص به مرتد مرد دارد و زن مرتد به هخج وجه کشته نمی شود، بلکه به حبس دائم محکوم می گردد. و در صورت توبه اش پذیرفته می شود، هم چنین اجرای حکم قتل در مرتد ملی منوط به عدم توبه است.

۲. انفساخ عقد نکاح

با ارتداد مسلمان مشروعیت عقد زنا شویی از بین می رود و ادامه ی آن حرام است.

۳. تقسیم اموال

یکی دیگر از احکام مرتد تقسیم اموال وی در بین ورثه شرعی اوست لکن نکته قابل توجه اختصاص این حکم به مرتد فطری و عدم تقسیم اموال مرتد ملی است و در مرتد ملی اموال وی توقیف می شود و در صورت بازگشت به او باز گردانده می شود.^(۱)

۱. رضوانی علی اصغر/ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات/ ص ۳۲۰-۳۲۱

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. تحریر الوسیله، روح الله خمینی، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ دوم، سال انتشار ۱۳۸۱
۴. ارتداد، سیدجعفر صادقی فدکی، ناشر: مؤسسه بوستان کتاب، نوبت چاپ: دوم سال انتشار: ۱۳۸۹
۵. الروضه البهیه فی الشرح المعهّٰه الدمشقیه، زین الدین جبعی العاملی (شهید ثانی)، نوبت چاپ: ۱۲/ سال انتشار ۱۳۹۱
۶. اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران، نوبت چاپ: سوم، سال انتشار: زمستان ۱۳۸۶